

فهرست

۷

مروری بر قواعد عربی دوره ی اول متوسطه

۱۱

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

۲۳

الدَّرْسُ الثَّانِي | إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ

۳۶

سؤالات امتحان میان نوبت اول

۴۰

الدَّرْسُ الثَّالِثُ | مَطَرُ السَّمَكِ

۵۳

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّعَائِشُ السَّلْمِيُّ

۶۵

سؤالات امتحان نوبت اول

۶۸

الدَّرْسُ الْخَامِسُ | هَذَا خَلْقُ اللَّهِ

۸۱

الدَّرْسُ السَّادِسُ | الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

۹۴

سؤالات امتحان میان نوبت دوم

۹۷

الدَّرْسُ السَّابِعُ | صِنَاعَةُ النَّفْطِ

۱۰۹

الدَّرْسُ الثَّامِنُ | يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ

۱۲۲

سؤالات امتحان نوبت دوم

مروری بر قواعد عربی دوره‌ی اول متوسطه

فعل و انواع آن

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

فعل ماضی: فعلی است که انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته نشان می‌دهد؛

دَهَبْتُ (رفتم) دَهَبْتَ (رفتگی) دَهَبْتَ (رفتگی)

فعل مضارع: فعلی است که نشانگر انجام کار یا داشتن حالتی در زمان حال و آینده است؛

أَدْهَبُ (می‌روم) تَدْهَبُ (می‌روی) تَدْهَبِينَ (می‌روی)

فعل منفی: فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود.

ما دَهَبْتُ (نرفتم) لا أَدْهَبُ (نمی‌روم)

فعل مستقبل (آینده): فعلی است که با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود؛

سَأَدْهَبُ (خواهم رفت) سَتَدْهَبُ (خواهی رفت) سَتَدْهَبِينَ (خواهی رفت)

فعل امر: فعلی است که انجام دادن کاری را از مخاطب می‌خواهد؛ مانند: اِدْهَبْ (برو)، اِدْهَبِي (برو)

فعل نهی: فعلی است که مخاطب را از انجام کاری باز می‌دارد؛ مانند: لا تَدْهَبْ (نرو)، لا تَدْهَبِي (نرو)

با نام گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی و ترجمه‌ی آن‌ها بیشتر آشنا شویم.

نام صیغه به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	كَتَبْتُ: نوشتم	اَكْتُبْ: می‌نویسم	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ	كَتَبْتَ: نوشتی	اَكْتُبْ: بنویس	لا تَكْتُبْ: ننویس
		أَنْتِ	كَتَبْتِ: نوشتی	اَكْتُبِي: بنویس	لا تَكْتُبِي: ننویس
سوم شخص مفرد	او	هُوَ	كَتَبَ: نوشت	يَكْتُبْ: می‌نویسد	
		هِيَ	كَتَبَتْ: نوشت	تَكْتُبْ: می‌نویسد	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	كَتَبْنَا: نوشتیم	نَكْتُبْ: می‌نویسیم	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ: نوشتید	اَكْتُبُوا: بنویسید	لا تَكْتُبُوا: ننویسید
		أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ: نوشتید	اَكْتُبْنَ: بنویسید	لا تَكْتُبْنَ: ننویسید
		أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا: نوشتید	اَكْتُبَا: بنویسید	لا تَكْتُبَا: ننویسید
		أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا: نوشتید	اَكْتُبَا: بنویسید	لا تَكْتُبَا: ننویسید
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ	كَتَبُوا: نوشتند	يَكْتُبُونَ: می‌نویسند	
		هُنَّ	كَتَبْنَ: نوشتند	يَكْتُبْنَ: می‌نویسند	
		هُمَا	كَتَبَا: نوشتند	يَكْتُبَانِ: می‌نویسند	
		هُمَا	كَتَبَتَا: نوشتند	تَكْتُبَانِ: می‌نویسند	

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص و اشیا به کار می‌رود.

اسم مذکر

هر اسمی که بر جنس نر دلالت کند، مذکر است و اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، ـة» ندارند، غالباً مذکر به شمار می‌آیند؛

«الرَّجُل: مرد»، «الابن: پسر»، «التلميذ: دانش آموز»، «الشَّجَر: درخت»، «الجبل: کوه»، «الصف: کلاس»

اسم مؤنث

هر اسمی که بر جنس ماده دلالت کند مؤنث است؛ هم‌چنین اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، ـة» دارند نیز مؤنث به شمار می‌آیند؛
 «المرأة: زن»، «البنات: دختر»، «التلميذة: دانش‌آموز»، «الشجرة: درخت»، «اللوحة: تابلو»، «الحديقة: باغ»

مفرد، مثنی و جمع

مفرد: اسمی که نشانگر یک فرد یا یک چیز است؛

«الولد: پسر»، «الكرسي: صندلی»، «الطفل: کودک»، «التفاحة: پنجره»، «القرية: روستا»

مثنی: اسمی است که بر دو فرد یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد: «ان» و «ـین».

«الطالبان، الطالبین: دو دانش‌آموز» / «الطائرتان، الطائرتین: دو هواپیما»

جمع: اسمی است که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و سه نوع دارد:

جمع مذکر سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مذکر «ون» یا «ـین» بیفزاییم، جمع مذکر سالم به دست می‌آید؛

«صادق» + «ون، ین» ← «صادقون، صادقین» / «مسرور» + «ون، ین» ← «مسرورون، مسرورین»

جمع مؤنث سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مؤنث «ات» اضافه کنیم، جمع مؤنث سالم ساخته می‌شود؛

«طالبة» + «ات» ← «طالبات» / «مدرسة» + «ات» ← «مدرسات» / «فايزة» + «ات» ← «فايزات»

جمع مکسر: جمع برخی از اسم‌ها مکسر (شکسته) است؛ یعنی، شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند؛

طالب، طلاب / مفتاح، مفتاح / كتاب، کُتب / طفل، أطفال / عبئة، عبَر / رجل، رجال

اسم‌های اشاره

اسم‌هایی هستند که برای اشاره به کار می‌روند.

مفرد	«هذا: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مذکر» است.
	«ذلك: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مذکر» است.
	«هذه: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مؤنث» است.
	«تلك: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مؤنث» است.
مثنی	«هذان: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مذکر» است.
	«هاتان: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مؤنث» است.
جمع	«هؤلاء: این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.
	«أولئك: آن‌ها، آن» اسم اشاره به دور برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.

ذلك، بُستانٌ جَمیلٌ. آن، باغی زیباست.

تلك العُرفة، نظيفةٌ. آن اتاق، پاکیزه است.

هاتان اللّوحتان، غاليتان. این دو تابلو، گران هستند.

أولئك، نساءٌ مجاهدات. آن‌ها، زنانی رزمنده‌اند.

هذا الرجل، طبيبٌ ناجحٌ. این مرد، پزشکی موفق است.

هذه، نافذةٌ خَشِيَّةٌ. این، پنجره‌ای جویبی است.

هذان، طالبانِ مسروران. این‌ها، دو دانش‌آموز خوشحال هستند.

هؤلاء الأبناء، رياضيون. این پسران، ورزشکار هستند.

کلمات پرسشی

«هل و أ: آیا»

در پاسخ مثبت آن‌ها «نَعَمْ» به معنای «بله» و در جواب منفی آن‌ها «لا» به معنای «نه، خیر» به کار می‌بریم:

هل كَتَبْتَ واجباتك أمْس؟ آیا دیروز تکالیف‌ت را نوشتی؟

نَعَمْ؛ كَتَبْتُ واجباتي أمْس. بله دیروز تکالیف‌م را نوشتم. / لا؛ ما كَتَبْتُ واجباتي أمْس. نه دیروز تکالیف‌م را ننوشتیم.

فرق «هَلْ» و «أَ»:

حرف «هَلْ» را فقط در جمله‌های مثبت و حرف «أَ» را در جمله‌های مثبت و منفی به کار می‌بریم؛

هَلْ اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

هَلْ مَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (نادرست)

أَسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت کردی؟ (درست)

أَمَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوستت دریافت نکردی؟ (درست)

«مَنْ»: چه کسی؟ چه کسانی؟

کلمه‌ی پرسشی «مَنْ» برای پرسش از شغل و نام افراد به کار می‌رود.

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُمَرِّضٌ. او کیست؟ - او پرستار است. / مَنِ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ لَاعِيتَانِ. شما کیستید؟ - ما بازیکن هستیم.

«لِمَنْ»: مال چه کسی؟ مال چه کسانی؟

کلمه‌ی «لِمَنْ» برای پرسش از مالکیت اشیا به کار می‌رود و در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی می‌توانیم با «لِ» به معنای «مالی، برای» شروع کنیم؛

لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ؟ - لِمُحَمَّدٍ. این خودرو مال کیست؟ - مال محمد است.

«مَا»: چه، چه چیز، چیست

برای پرسش درباره‌ی چیزهای گوناگون به کار می‌رود؛

مَا هَذِهِ؟ - هَذِهِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. این چیست؟ - این جایزه‌ای طلایی است. / مَا ذَلِكَ؟ ذَلِكَ مِفْتَاحٌ. آن چیست؟ - آن کلید است.

کلمه‌ی پرسشی «مَا» به شکل «ماذا: چه چیز»، «ما هُوَ: چیست»، «ما هِيَ: چیست» نیز به کار می‌رود؛

ماذا عَلَى الْمِنْضَدَّةِ؟ - كِتَابٌ كَبِيرٌ. روی میز چیست؟ - کتابی بزرگ. / مَا هُوَ شُغْلُ يَاسِرٍ؟ - بَيْعُ الْكُتُبِ. شغل یاسر چیست؟ - کتابفروشی.

«أَيْنَ»: کجا

کلمه‌ی پرسشی «أَيْنَ» برای سؤال در مورد مکان به کار می‌رود. در پاسخ به آن از کلمات «فِي: در، داخل» / «عَلَى: بر، روی» / «تَحْتَ: زیر» / «أَمَامَ: روبه‌روی» /

«خَلْفَ: وراء: پشت» / «جَنْبَ: کنار» / «عِنْدَ: نزد» / «حَوْلَ: اطراف» / «فَوْقَ: بالای، روی» / «بَيْنَ: میان» / «هُنَا: این‌جا» / «هُنَاكَ: آن‌جا» / «عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست» /

«عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ» استفاده می‌شود؛

أَيْنَ الْبَقْرَةُ؟ - خَلْفَ الشَّجَرَةِ. گاو ماده کجاست؟ - پشت درخت. / أَيْنَ قَلَمُكَ؟ - عَلَى الْمِنْضَدَّةِ. قلمت کجاست؟ - روی میز.

«مِنْ أَيْنَ»:

هرگاه بخواهیم از کسی بپرسیم «اهل کجا هستی؟» از «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم؛

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا إِيرَانِيٌّ. تو اهل کجا هستی؟ - من ایرانی هستم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ مِنْ لُبْنَانٍ. شما اهل کجا هستید؟ - ما لبنانی هستیم.

«كَمْ»: چند، چقدر

در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی از اعداد اصلی بهره می‌گیریم.

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - تِسْعَةُ طُلَّابٍ. چند دانش‌آموز داخل کلاس هستند؟ - نه دانش‌آموز.

كَمْ قَلَمًا عِنْدَكَ؟ - عِنْدِي أَحَدٌ عَشَرَ قَلَمًا. چند قلم داری؟ - یازده قلم دارم.

«لِمَاذَا»: برای چه؟

از این کلمه برای پرسش از علت انجام کار استفاده می‌شود.

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای این‌که» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛

لِمَاذَا مَا جَاءَ صَدِيقُكَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ - لِأَنَّهُ كَانَ مَرِيضًا. چرا دوستت به مدرسه نیامد؟ - زیرا او مریض بود.

لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟ - لِشِرَاءِ الْقَمِيصِ. برای چه به بازار رفتی؟ - برای خریدن پیراهن.

«مَتَى»: چه وقت؟ چه موقع؟

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «مَتَى» کلمات زیر می‌آیند که بر زمان دلالت دارند:

«اليوم: امروز / أمْسٍ: دیروز / غداً: فردا / صباح: صبح / لَيْل: شب / نهار: روز / قَبْلَ سَنَتَيْنِ: دو سال پیش / مساءً: شب، بعدازظهر / في الشهر الماضي: در ماه گذشته / في الشهر القادم: در ماه آینده / و ...»

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - قَبْلَ يَوْمَيْنِ. چه وقت به هتل رسیدید؟ - دو روز قبل.

مَتَى تَبْدَأُ الْإِمْتِحَانَاتُ؟ - في شهر خرداد. چه وقت امتحانات شروع می‌شود؟ - در ماه خرداد.

فن ترجمه

۱. هرگاه اسم بعد از اشاره بدون «ال» بیاید، آن اسم اشاره طبق صیغه‌ی خود ترجمه می‌شود:

هذا طَالِبٌ (این، دانش‌آموز است). هؤلاء، طُلَّابٌ. (این‌ها دانشجو هستند).

۲. هرگاه اسم بعد از اشاره همراه «ال» باشد، آن اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود:

هؤلاء الطُّلَّابُ، مُجْتَهِدُونَ. (این دانش‌آموزان، کوشا هستند).

۳. در جمله‌هایی که فعل مفرد به کار رفته در حالی که فاعل (انجام‌دهنده‌ی) آن، اسم مثنی یا جمع باشد؛ فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود:

يُخْرَجُ اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمَسَابِقَةِ. دو بازیکن از میدان مسابقه بیرون می‌روند.

رَجَعَتْ أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. خواهرانم از خانه‌ی پدر بزرگم برگشتند.

۴. گاهی کلمه‌های «عِنْدَ: نزد» یا «لِ: برای» برای مالکیت به کار می‌روند:

«لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» خدا نام‌های نیکو دارد. / عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ی بزرگی دارید. / لَنَا مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ. کتابخانه‌ی بزرگی داریم.

۵. فعل «كَانَ» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می‌شود:

كَانَ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ واجباتِهِ. دانش‌آموز تکالیفش را می‌نوشت.

كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ في الْمَكْتَبَةِ. دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

السَّائِقُ كَانَ يَسْتَعِيزُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهِيرِ. راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

الدُّرُسُ الْأَوَّلُ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

الف عَيْن تَرْجَمَةُ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

- | | | |
|-----------|------------------|--|
| ابر | باران | ۱. الْغَيْمُ بِمَعْنَى السَّحَابِ. |
| باری کردن | آشنایی با همدیگر | ۲. التَّعَارُفُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدِينَةِ. |
| برگها | شاخهها | ۳. عُصُوفُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ جَمِيلَةٌ. |
| ستارهها | اخگر (پارهی آتش) | ۴. الشَّرَرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. |
| تاریکی | روشنایی | ۵. ضِيَاءُ الْقَمَرِ مِنَ الشَّمْسِ. |
| فرودگاه | ایستگاه قطار | ۶. رَكِبْتُ الطَّائِرَةَ فِي مَطَارِ طَهْرَانِ. |
| پژمرده | تر و تازه | ۷. أَوْرَاقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ نَضِرَةٌ. |
| پراکندگی | پارهی آتش | ۸. الشَّمْسُ جَذُوْتُهَا مُسْتَعِرَةٌ. |
| ریزان | فروزان | ۹. أَنْعَمَ اللَّهُ مِنْهُمْ رَءً دَائِمًا. |
| آماده | سرسبز | ۱۰. صَارَتْ الْأَرْضُ بَعْدَ الْمَطَرِ خَضِرَةً. |

ب كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ: آن، همان خداست.

- | | |
|--|--|
| به آن درخت شاخههای بنگر. | ۱. أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَهُ / ذَاتِ الْعُصُوفِ النَّضِرَةِ |
| چگونه از دانه ای؟ و چگونه درختی؟ | ۲. كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ |
| جستوجو کن و بگو چه کسی را از آن؟ | ۳. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ |
| و به خورشیدی که آن بنگر. | ۴. وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذُوْتُهَا مُسْتَعِرَةٌ |
| در آن هست و با آن گرمایی هست. | ۵. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ |
| چه کسی آن را در فضا مانند پدید آورد؟ | ۶. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ |
| آن همان خدایی است که او است. | ۷. ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَءً |
| دارای دانش و نیروی است. | ۸. ذُو حِكْمَةٍ بِالْعِلْمِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ |
| به شب نگاه کن؛ چه کسی را در آن؟ | ۹. أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ |
| و آن را با ستارگانی مانند پراکنده؟ | ۱۰. وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ |
| و به ابر نگاه کن؛ چه کسی را از آن؟ | ۱۱. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ |
| و زمین را پس از تیره رنگی با آن؟ | ۱۲. فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ |
| و به انسان بنگر و بگو چه کسی را در او؟ | ۱۳. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ / مَنْ شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ |

۱۴ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ

چه کسی او را با نیرویی؟

۱۵ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

آن همان خدایی است که است.

یَاعْلَمُوا: بدانید

صِيغَةُ الْأَفْعَالِ

در جدول زیر با نام گذاری صیغه های فعل ها در دستور زبان عربی آشنا می شویم.

نام صیغه ها به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعُلْ	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ / أَنْتِ	فَعَلْتَ / فَعَلْتِ	إِفْعُلْ / إِفْعَلِي	لا تَفْعُلْ / لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	او	هُوَ / هِيَ	فَعَلَ / فَعَلَتْ	يَفْعُلْ / تَفْعُلْ	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعُلْ	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ	فَعَلْتُمْ / فَعَلْتُنَّ	إِفْعَلُوا / إِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلُوا / لا تَفْعَلْنَ
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ / هُنَّ	فَعَلُوا / فَعَلْنَ	يَفْعَلُونَ / يَفْعَلْنَ	

كَمِّلِ التَّرْجَمَةَ.

جَوَّازْ

التَّعَارُفُ:

زَائِرُ مَرْقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زائر مرقد امیرمؤمنان علی علیه السلام	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ: یکی از کارمندان در فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
درود بر شما.	درود و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. ای برادر صبح به خیر.	صَبَاحَ النَّوْرِ وَالشُّرُورِ. صبح و به خیر.
كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت است؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟ خوبم و تو؟
بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. الحمد لله، خوبم.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ،؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟
من از جمهوری اسلامی ایران هستم.	اسم گرامی شما؟

إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. اسمم عبدالرحمن است.
اسم من حسين است و اسم شريف شما چیست؟	
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟	لا، مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.
آيا تاکنون به ایران؟	نه، ولی من دوست دارم
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ! اِغْرَ خُدا به ایران سفر می کنی.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. ان شاء الله به سلامت.
فِي أَمَانِ اللَّهِ. خُداحافظ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. ای دوستم، خداحافظ و در او.
۱- تَعَارُف: آشنایی با یکدیگر ۲- قَاعَة: سالن ۳- مَطَار: فرودگاه ۴- مَعَ الْأَسَفِ: متأسفانه ۵- وَ حِفْظِهِ: و در پناه او ۶- أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم.	

التَّمرين

التَّمرين الأول | صُغْ هَذِهِ التَّرَاكيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هم مُجْتَهِدُونَ / هَاتَانِ الْمَرْأَتَانِ / هَؤُلَاءِ التَّلَامِيذُ / هَذَانِ الْمِفْتَاحَانِ / أُولَئِكَ الْمُدْرَسَاتُ / تِلْكَ الشَّجَرَةُ

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث
.....		
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....		

التَّمرين الثاني | عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْقَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.

١	تُفَاح	زُمان	مِشْمِش	حَشَب
٢	مَطْعَم	مُصْنَع	مَوْضِع	مُسْتَشْفَى
٣	الْفَرِيق	الشَّمْس	الْكَوْكَب	الْقَمَر
٤	الْعُمُود	الْمَطَر	الْغَيْم	الزَّيْح

التَّمرين الثالث | صُغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- الدَّخَانُ ١ نتيجة احتراق الحَشَبِ وَ غِيره.
- النَّهَارُ ٢ الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعْدُ مِنَ النَّارِ.
- النَّارُ ٣ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَ اللَّيْلِ.
- السَّرَرَةُ ٤ بُخَارٌ مَتَرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- الدَّرَزُ ٥ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- الْغَيْمُ ٦ مِنَ الْمَلَايِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- الْفَسْتَانُ ٧

التمرين الرابع | اَلْجِبْ عَنِ الْاَسْئَلَةِ الْاَتِيَةِ.

١ مَنْ اَنْتَ؟ ٢ مِنْ اَيْنَ اَنْتَ؟

٣ كَيْفَ حَالُكَ؟ ٤ مَا اسْمُكَ؟

٥ اَيْنَ بَيْتُكَ؟ ٦ كَمْ صَفًا فِي مَدْرَسَتِكَ؟

ب عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١ لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى الْمَكْتَبَةِ؟ لِمَطَالَعَةِ الْكُتُبِ لِبَشْرَاءِ الْكُتُبِ

٢ مَتَى يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدِّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟ فِي الرَّبِيعِ فِي الْخَرِيفِ

٣ بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟ بِالطَّائِرَةِ مَعَ أُسْرَتِهِمْ

٤ مَا هُوَ الشَّهْرُ الْخَامِسُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟ مُرْدَاد شَهْرِيور

ج رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوْالًا وَ جَوَابًا.

١ سَافَرْتُ / لا: مَعَ الْأَسَفِ / حَتَّى الْآنَ / إِلَى الْإِيرَانَ / هَلْ / . / ؟

٢ عَبْدُ الرَّحْمَنِ / اسْمُكَ الْكَرِيمُ / اِسْمِي / مَا / . / ؟

٣ اَنْتَ / الْإِيرَانِيَّةُ / مِنْ أَيْنَ / الْجُمْهُورِيَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ / مِنْ / . / ؟

د عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١ كَمْ السَّاعَةُ؟

الف) الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعًا.

ب) الثَّامِنَةُ وَ الرُّبْعُ.

٢ مَاذَا تَفْعَلُ هَذِهِ الْبَيْتُ؟

الف) هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبَهَا.

ب) هِيَ تَقْرَأُ الْقِصَّةَ.



التمرين الخامس | عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

١ هُوَ اللَّهُ الَّذِي الثَّمَرَاتِ مِنَ الْأَشْجَارِ.

٢ يَا زَمِيلَتِي، إِلَى نَزُولِ الْمَطَرِ بِدِقَّةٍ.

٣ أَتَيْهَا النَّاسُ، أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّكُمْ.

٤ نَحْنُ إِلَى بُسْتَانٍ قَبْلَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

٥ الْمُسْلِمُونَ مِنَ الْقُرْآنِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً.

٦ هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحُونَ مَحْصُولَ الْمَرْغَةِ أَمْسِي.

يَعْلَمُ

يُخْرِجُ

أَنْظُرِي

أَنْظُرْ

إِعْلَمُ

إِعْلَمُوا

ذَهَبْنَا

سَنَذْهَبُ

تَعْلَمُ

تَعْلَمُوا

حَصَدُوا

مَا حَصَدَا

٧ ذاك هو الله الذي لنا أنعماً منهمرة. ساعد

٨ أنا كنت في مزرعة في السنة الماضية. اشتغل

٩ نحن إلى بلادنا في السنة القادمة. سترجع

التمرين السادس | انتخب الترجمة الصحيحة.

١ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

(الف) ستایش از آن خدایی است که آفرینندهی آسمان و زمین است و تاریکی‌ها و نور را قرار داد.

(ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنائی را بنهاد.

٢ ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

(الف) پروردگارا، ما را همراه گروه ستمگران قرار نده.

(ب) پروردگار، ما را با گروه ستمکاران قرار نداده است.

ب | اقرأ الأحاديث التالية، ثم عيّن ترجمتها الصحيحة.

١ إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند) گرامی شوند، شایستگان هلاک می‌شوند.

٢ لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم و كثرة الحج ... ولكن انظروا إلى صدق الحديث و أداء الأمانة.

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج (نمی‌نگرید) (نگرید) بلکه به راستگویی و امانتداری (بنگرید) (می‌نگرید).

٣ إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء.

به کسی که در زمین است (رحم می‌کنم) (رحم کن) تا آن که در آسمان است (به من) (به تو) رحم کند.

٤ قول «لا أعلم» نصف العلم.

گفتن (نمی‌دانم) (می‌دانم) (نیمی از علم است).

٥ إذا قذرت على عدوك، فأجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه.

هرگاه بر دشمنت چیره شدی؛ (بخشیدن) (کشتن) او را شکرانه‌ی قدرت یافتن بر او (قرار می‌دهی) (قرار بده).

التمرين السابع | كمل الفراغات في الترجمة الفارسية.

١ من زرع العدوان حصد الخسران. هر کس کاشت، درو کرد.

٢ ﴿و اجعل لي لسان صدق في الآخرين﴾ برای من یاد نیکو در قرار بده.

٣ ﴿و اعملوا صالحاً إني بما تعملون عليم﴾ و کار نیکو زیرا من به آن چه انجام می‌دهید،

٤ اطلبوا العلم و لو بالضيئ فإن طلب العلم فريضة. دانش را طلب کنید، در چین باشد؛ زیرا طلب دانش است.

٥ يا أيها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون؟ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا آن چه را؟

٦ اعمل لدينك كأنك تعيش أبداً و اعمل لآخرتك كأنك تموت غداً.

برای چنان کار کن گویی همیشه و برای آخرت چنان کار کن گویی فردا

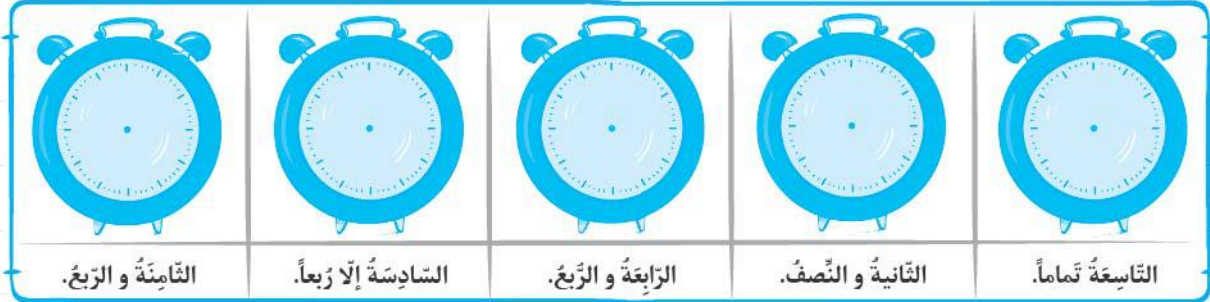
سخن مانند داروست سود می‌رساند و بسیارش است.

به گفته است بنگر و به گفته است ننگر.

٧ أَلَكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

٨ أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

الْتَّمِرِينَ الثَّامِينَ | أَرْسُمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



الْتَّمِرِينَ التَّاسِعُ | أَلِفٌ أَكْتُبُ مُتَرَادِفٌ أَوْ مُتَضَادٌّ كُلُّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

مَسْمُوحٌ / سَكَتٌ / حَبِيبٌ / قُبْحٌ / حَرْبٌ / شُغْلٌ / وَزَعٌ / إِجْعَلْ / شِرَاءٌ / رَخِيصَةٌ / كَوَاكِبٌ / رَاسِبٌ

ب عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.

صَغْبٌ / بَغْتَةٌ / كَتَمَ / صُعُودٌ / مُجْتَنِّهٌ / سَهْلٌ / ضِيَاءٌ / جَمِيلٌ / نُزُولٌ / سَتَرَ / نَوْرٌ / قَبِيحٌ / فَجَاءَ / رَقَدَ / مُجِدَّ / نَامَ

ج صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

تَسْلِيمٌ / النَّارُ / الْغُدْوَانُ / التَّرْتِيبِيَّةُ / الْأَصْلِيَّةُ / نَوْرٌ / قَاعَةٌ / الْأَرَادُلُ

١ مِنْ زَرَعَ خَصَدَ الْخُسْرَانَ.

٢ أَحَدُ الْمُؤَوَّلَفِينَ فِي الْمَطَارِ.

٣ «ثَمَانِيَّةٌ» مِنْ الْأَعْدَادِ

٤ «الْعَاشِرُ» مِنْ الْأَعْدَادِ

٥ إِذَا مَلَكَ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

٦ أُرِيدُ أُمُورَ الْبِلَادِ إِلَيْكَ.

التمرين العاشر | عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. (X) (✓)

- ١ القمرُ كوكبٌ يدورُ حَوْلَ الأرضِ وَضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. ☐
- ٢ الجامعةُ مكانٌ للتَّعليمِ العَالِي بَعْدَ المَدْرَسَةِ. ☐
- ٣ يَبْتَدِئُ العَامُ الدَّرَاسِيَّ فِي إِيْرانَ فِي الرِّبْعِ. ☐
- ٤ فَصلُ الخَرِيفِ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. ☐
- ٥ المَطْعَمُ مكانٌ نَأْكُلُ فِيهِ الفُطُورَ وَ الغَداءَ وَ العِشاءَ. ☐
- ٦ أُولَئِكَ اسْمُ إشارَةٍ لِغَيْرِ التَّعْيِيدِ. ☐
- ٧ المِلَفُ مَجموعَةٌ مِنَ الأوراقِ الإداريَّةِ. ☐
- ٨ قاطِعُ الرِّجَمِ هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ لِيُزَايِرَةَ أَقْرَبائِهِ. ☐

التمرين الحادي عشر | اَلْهِ عَيِّنِ نَوْعَ الفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.

- ١ ﴿ما ظَلَمْنَا هُمْ...﴾ ☐
- ٢ ﴿... كَنا يَأْكُلانِ الطَّعامَ...﴾ ☐
- ٣ ﴿إِرجِعي إِلَيَّ رَبِّكَ...﴾ ☐
- ٤ سَنَكْتُبُ واجِبَتنا. ☐
- ٥ اللهُ عَلِيمٌ بِما تَعْمَلُونَ. ☐
- ٦ لا يَسْمَعَنَّ صَوْتاً. ☐

ب ترجمِ الكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها خَطًّا.

- ١ سَأَسْرَبُ شايًا. ٢ كانوا يَلْعَبُونَ. ٣ رَفَدَ فِي المُسْتَشْفَى.
- ٤ أَسْجُدُ لِلّهِ. ٥ أَنْتَ سَوْفَ تَفْرَحُ. ٦ لا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.
- ٧ هَلْ وَجَدْتَنِ جَواباً؟ ٨ هُمَا لا يَكْتُبانِ. ٩ ما سَمِعنا جَيِّداً.

ج اُكْتُبِ مُفْرَدَ الأَسْماءِ التَّالِيَةِ.

- ١ أَقمار: ٢ حَواشِب: ٣ حَقائِب: ٤ تَلامِيذ:
- ٥ زُملاء: ٦ عُصون: ٧ آباء: ٨ أَبناء:
- ٩ بَضائع: ١٠ أَقْرَباء: ١١ شَوارِع: ١٢ أَسابيع:

د اُكْتُبِ جَمْعَ الأَسْماءِ التَّالِيَةِ.

- ١ شَجَر: ٢ نَجْم: ٣ دُر: ٤ صَيِّف:
- ٥ مِفْتاح: ٦ فاكِهَةٌ: ٧ مِهْنَةٌ: ٨ نِعْمَةٌ:
- ٩ عُرْفَةٌ: ١٠ رِسالَةٌ: ١١ مَرِيض: ١٢ صَدِيق:

ه عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُها فِي كُلِّ مَجموعَةٍ.

- ١ ☐ اَعْمَلْ ☐ أَشْكُرِي ☐ أَنْصُرْ ☐ انْزِلُوا ٢ ☐ يَقْبَلُ ☐ نَكْتُبُ ☐ تَسْرُبُنْ ☐ أَخَذَنْ
- ٣ ☐ سَأَبْدَأُ ☐ سَنَجْلِسُ ☐ سافَرْتُ ☐ سَيَزُرُ ٤ ☐ شَجَرَةٌ ☐ إِذْهَبْ ☐ لَعِبْنَا ☐ تَصْعَدِينَ

التمرين الثاني عشر | صَغِّ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً.

- ١ أُولَئِكَ، لا عِبُونَ. فائِزُونَ فِي المِسابَقَةِ.
- ٢ أَلْيَوْمَ الثَّانِي مِنَ أَيَّامِ الأُسْبوعِ يَوْمٌ
- ٣ نَأْكُلُ فِي الظَّهْرِ.
- ٤ هَذِهِ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ وَ صَارَتْ شَجَرَةً.
- أَنْتُمْ ☐ هُمْ ☐
- الْإِثْنَيْنِ ☐ الْأَحَدِ ☐
- الْعَداءَ ☐ العِشاءَ ☐
- حَجَرٍ ☐ حَبَّةٍ ☐

- ۵ لَوْنُ الْبَحْرِ وَ لَوْنُ الشَّجَرِ أَخْضَرُ. أَبْيَضُ أَرَزَقُ
- ۶ الْأَشْجَارُ فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ ذَاتُ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ الْمُجَفَّفَةِ
- ۷ الْفَصْلُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الصَّيْفِ. الْأَوَّلُ الثَّانِي

الْتَّمَرَيْنِ الثَّلَاثِ عَشَرَ | اقْرَأ النَّصَّ التَّالِي ثُمَّ عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ. (X) (✓)

حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِبًا لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالْدُّخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. بَعْدَ مَدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ». جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِي نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا. كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّبِّ.

- ۱ حَامِدٌ بَحَثَ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ.
- ۲ جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً.
- ۳ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ.
- ۴ كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّبِّ فِي الْيَوْمِ التَّالِي.

الْتَّمَرَيْنِ الرَّابِعِ عَشَرَ | اكْتُبِ تَرْجُمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- | | | |
|----------------------|----------------------|--|
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۱ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۲ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / يَقُوَّةَ مُفْتَكِرِهِ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۳ أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَهُ / ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۴ كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۵ فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبِرَارِ خَصِرِهِ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۶ وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۷ وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۸ فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۹ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرِهِ |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> | ۱۰ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرِهِ |

ارزشیابی تکوینی درس اول

ردیف	الف - مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)	نمره
۱	تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ. ۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ ۲- إِزْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. ۳- فَصَيِّرِ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبِرَارِ حَضِرِهِ ۴- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مَفْتَكِرِهِ ۵- لِكَيْنِي أُحِبَّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِيرَانَ. ۶- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ.	۱ ۱ ۱ ۱ ۰/۵ ۰/۵
۲	إِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الف) ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را بنهاد. ب) ستایش برای خدایی است که آسمان و زمین را آفریده است و تاریکی و روشنایی بنهاد. ۲- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. الف) به آن چه گفته است می نگرم و به آن که گفته است نمی نگرم. ب) به آن چه گفته است بنگر و به آن که گفته است ننگر.	۰/۵
۳	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. ۱- فَابْنَحْثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَةَ. ۲- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ: قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. ۳- الْقَمَرُ كَوَكَبٍ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ: ضِيَاءُهُ مِنَ الشَّمْسِ. پس جست و جو کن و بگو میوه را از آن سخن مانند داروست. اندکش و بسیارش است. ماه سیاره ای است که به دور زمین؛ از خورشید است.	۱/۵
ب - مهارت واژه شناسی (۲ نمره)		
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. الْمَوْتُ / مُجِدِّ / رَخِيصَةٌ / مُجْتَهِدٌ / الْحُسْنُ / غَالِيَةٌ ۱- = ۲- ≠	۰/۵
۵	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. أَخَذَ الْمُوظَّفَيْنِ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. ۱- ۲-	۰/۵

۵/۰	عَبِّرِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.	۶
	۱- مُتَّحِفٌ مُمَرَّضَةٌ مُصَنَّعٌ مَطْبِيعَةٌ ۲- أُسْبُوعٌ شَهْرٌ سَنَةٌ سَاحَةٌ	
۵/۰	اُكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ.	۷
	۱- عُصْنٌ: ۲- مَفَاتِيحٌ:	
ج - مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)		
۳	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.	۸
	۱- سَأَغْسِلُ مَلَابِسِي. ۲- قَرَأْتُ الْقُرْآنَ. ۳- لَا تَتْرُكِي يَدَ أُمِّكَ. ۴- لَا يَسْمَعُ جِدًّا. ۵- إِسْتِلَامُ الرِّسَالَةِ. ۶- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ. ۷- مَا أَكَلْتُ طَعَامًا. ۸- مَتَى وَصَلْتُمْ؟ ۹- اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ. ۱۰- يَخْرُجَنَّ مِنَ الصَّفِّ. ۱۱- كَانَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ. ۱۲- سَوْفَ يَأْخُذُ جَائِزَةً.	
۱	عَبِّرِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.	۹
	۱- يَا أَيُّهَا الطُّلَّابُ، بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. ۲- قَالَ الْفَلَّاحُ لِأَخِيهِ: مِنْ مَرْزَعَتِي. ۳- أُولَئِكَ التَّلْمِيزَاتُ مِنَ الْمَسَابِقَةِ أَمْسِي. ۴- كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ لا تَضْحَكُوا لا تَضْحَكْ أَخْرُجْ أَخْرُجِي رَجَعْنَ رَجَعْنَ يَذْرُسُونَ يَذْرُسُ	
۵/۵	عَبِّرِ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.	۱۰
	۱- ﴿وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ ۲- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ.	
۵/۵	عَبِّرِ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.	۱۱
	۱- أَخَذَ جَلَسُوا يَسْمَعُ جَعَلَنَّ ۲- أَنْظُرْ نَكْتُبْ يَعْرِفَنَّ تَنْصَرِبَنَّ	
۱	اجْعَلْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».	۱۲
	اُخْرُجَنَّ / عَبَّرْتُمْ / مَا سَأَلْتُ / لَا تَزْرَعُونَ / لَا تَلْعَبِي / أَكْتُبُ	
	ماضي منفى مضارع منفى امر نهى	
		

١٣	أرسم عقارب الساعة. ١- التاسعة و الربع. ٢- العاشرة و النصف.	 	٥/٠
١٤	ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب. «إثنان زائدان» هـما لاعبان / ذلك المدرس / هي تلميذة / هؤلاء المجتهدون / هاتان البنتان / هُنَّ مسرورات مفرد مؤنث جمع مؤنث سالم مثنى مذكر جمع مذكر سالم		١
د - مهارة درك و فهم (٢ نمره)			
١٥	ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة» ١- الدَّرَز ٢- اللَّيْزُ ٣- الضَّاعِقَةُ ٤- الشَّرَزَةُ ٥- الْفُسْتَانُ ١- مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. ٢- قِطْعَةً مِنَ النَّارِ. ٣- حُفْرَةً عَمِيقَةً فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ. ٤- مِنَ الْأَخْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.		١
١٦	عين الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع. (X) (✓) ١- أَلْعَدُوُّ هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الشَّرَّ بَلْ يَطْلُبُ الْخَيْرَ. ٢- الْقَيْمُ يُخَارُ مَتْرَاكِمَ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. ٣- الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. ٤- الْأَطْفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.	   	١
هـ - مهارة مكالمه (١/٥ نمره)			
١٧	أجب عن الأسئلة التالية. ١- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ٢- كَيْفَ حَالُكَ؟		٥/٠
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً. ١- عَبْدُ الرَّحْمَنِ / إسمي / اسمك / ما / الكريم / ؟ ٢- مَعَ الْأَسَفِ / حَتَّى الْآنَ / سَافَرْتُ / لا: / هَلْ / إِلَى إِيْرَانِ / ؟		١

سوالات چهارگزینه‌ای درس اول

۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجِمَةِ.

(۱) الْأَنْجَمُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ كَالذَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ عِنْدَ اللَّيْلِ: هنگام شب ستارگان در آسمان صاف چون مرواریدهای پراکنده‌اند.

(۲) كَانَ وَالِدِي يَذْهَبُ إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدِينَةِ لِلتَّحْقِيقِ الْعِلْمِيِّ: پدرم برای تحقیق علمی به کتابخانه‌ی شهر می‌رفت.

(۳) نَشْتَعِلُ فِي مَزْعَنَةِ الْكَبِيرَةِ جَدًّا كُلَّ يَوْمٍ: هر روز در کشتزارمان که بسیار بزرگ است، کار می‌کنیم.

(۴) ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾: او کسی است که همه‌ی آن‌چه را در زمین است، برایتان آفرید.

۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْفَرَاغِ. «مَنْ أَنْزَلَ مِنْ مَطَرًا؟»

(۱) الْغَيْمِ (۲) الْمَاءِ (۳) الصَّاعِقَةِ (۴) الْبَيْتِ

۳- عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى.

(۱) طَيَّار (۲) يَسَار (۳) خَبَّاز (۴) حَدَّاد

۴- اجْعَلِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ فِي الْفَرَاغِ. «حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.»

(۱) ذَلِيلٍ (۲) شُرْطِيٍّ (۳) مَطَارٍ (۴) قَاعَةٍ

۵- عَيْنِ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي التَّوَعُّ.

(۱) لَا تَكْتُبَا (۲) لَا تَرْسُمِي (۳) لَا تَحْزُنُونِ (۴) لَا تَأْكُلْ

۶- «الْعَبْرَةُ بِالْأَفْعَالِ وَ لَيْسَتْ بِالْأَقْوَالِ» عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

(۱) گفتار بی‌کردار ضایع نماند. (۲) به عمل کار برآید به سخندانی نیست.

(۳) دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست / بزرگی سراسر به گفتار نیست (۴) جهان یادگار است و ما رفتنی / به مردم نماند جز از گفتنی

۷- «مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

(۱) ﴿لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (۲) سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن‌که بگوید سخن

(۳) إذا تمَّ العقلُ نَقَصَ الكلامُ. (۴) سخن تا نپرسند لب بسته دار / گهر نشکنی تیشه آهسته دار

۸- عَيْنِ الْخَطَا.

(۱) أَنَا مُسْلِمَةٌ وَأَنْتَ مُؤْمِنَةٌ. (۲) أَنْتَ مُعَلِّمَةٌ وَأَنَا عَالِمٌ.

(۳) أَنْتَ نَشِيطٌ وَأَنَا مُجْتَهِدٌ. (۴) نَحْنُ مُعَلِّمَةٌ وَهِيَ مُعَلِّمَةٌ.

۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ: ﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ﴾

(۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست.

(۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را.

(۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنین است.

(۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله‌ی الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنین را.

(تهری ۹۵)

(ریاضی ۹۳)

(انسانی ۸۱)

(تهری ۹۵)